

## چرا قحطی شد؟\*

مترجم: بلود کریمی

مردم اتیوپی نه تنها با سه سال خشکالی و دوده جنگ داخلی رو به رو بوده‌اند بلکه از سیاستهای نادرست دولت نیز آسیب دیده‌اند. سیاستهایی که موجب شده است از سال ۱۹۷۰ به بعد، تولیدات کشاورزی سالانه ۵٪ کاهش یابد. این مسئله و خشکالی موجب شده است که اتیوپی به کمک غذایی کشورهای دیگر جهان چشم بدوزد.

پس از سرنگونی هایل سلاسی در ۱۹۷۴، زمینهای سلطنتی و کلیسا که بیش از نیمی از اراضی قابل کشت را تشکیل می‌داد، به صورت قطعه‌های کوچک چند هکتاری، بین دهقانان پخش شد. چند مزرعه بزرگ پنبه و قهوه که محصول خوبی به عمل می‌آورد به قطعه‌های کوچک تفکیک شد. همپای تعاونیها که در آن تجهیزات کشاورزی، عمومی و مالکیت زمینها، خصوصی است، مزرعه‌های بزرگ دولتی به وجود آمد که اکنون ۴٪ زمینهای زیرکشت را تشکیل می‌دهد. سرهنگ منگیستوها یله‌مار یام که سرانجام به قدرت رسید، انتظار دارد که در یک دوره دهساله، نیمی از دهقانان در زمینهای اشتراکی کار کنند. در حال حاضر فقط ۵٪ دهقانان در این گونه مزارع به کار مشغول هستند.

به نظر می‌رسد که وی بیشتر به فکر این است که مواد خوراکی تولید شده را به شهرها برساند و توجه کمتری به مقدار مواد غذایی تولید شده دارد. وی جاده‌های پرهزینه‌ای ساخته است که از چند شهر به نسبت مهم اتیوپی به پایتخت (آدیس آبابا) منتهی می‌شود. او سهم بیشتری از بذر، کود، وام و نیز سرمایه‌گذاری بیشتری را به مزارع دولتی اختصاص داده است. در نتیجه، تعداد ماشین‌آلات و تراکتور زیاد است، ولی تعداد طرحهای مورد نیاز دهقانان، از قبیل ایجاد سدهای کوچک، انبارهای ذخیره حیوانات، سیلو و آبراههای ساده بسیار کم است.

دولت، دهقانان را وادار ساخته است که برای مواد اصلی: حیوانات، ذرت، جو، ارزن و گندم،

\* "How to grow a famine". The Economist. Dec. 22, 1984. P. 34.

بهای اندکی دریافت دارند. قهوه با اینکه هنوز ۶۵٪ ارز خارجی اتیوپی را کسب می‌کند، به واسطه سنگینی مالیاتش مورد توجه نبوده و کشاورزان در جهت ازدیاد محصول آن کوششی به عمل نمی‌آورند. در حدود ۶۰٪ زمینهای اتیوپی برای کشت و زرع و یا مرتع مناسب است، در حالی که تنها در ۱۳٪ اراضی آن فعالیت کشاورزی صورت می‌گیرد. به هر حال بیشتر دهقانان در آرزوی باران کافی، فقط به کشت مواد غذایی مورد نیاز خود می‌پردازند و تنها در کوهستانهای مرکزی است که معمولاً مقداری مواد غذایی اضافی جهت مردم شهرنشین به دست می‌آید. این است وضع اتیوپی در شرایط معمولی حتی خشک. اما وقوع جنگهای زیاد و رشد سریع جمعیت بر شدت بحران افزوده است. اتیوپی با ۴۲ میلیون نفر جمعیت و نرخ رشد سالانه بیش از ۳٪ دارای ۴ میلیون نفر شهرنشین است که به سرعت تا دو برابر افزایش یافته است. هزینه چهار مورد عملیات جنگی بر علیه حدایی خواهان اریتره و تایگر در شمال و سومالی و ملی‌گرایان ارمو (Ormo) در جنوب و مشرق، دست کم  $\frac{1}{4}$  بودجه اتیوپی را به خود اختصاص داده است.

تا پایان سال ۱۹۸۴، ۲۵۰،۰۰۰ نفر از گرسنگان اتیوپی به وسیله کامیون و هواپیما از منطقه خشک شمالی به جنوب غربی آن کشور انتقال خواهند یافت و انتظار می‌رود که تا سال ۱۹۹۴، ۲/۵ میلیون نفر دیگر در این منطقه اسکان داده شوند. این اقدامها، مشکل نابسندگی کشاورزی اتیوپی را حل نخواهد کرد و به نظر نمی‌رسد که دولت اتیوپی راه‌حلهای دیگری را بیابد. زیرا دو سال پیش به وعده سرهنگ منگیستو برای انجام پاره‌ای اصلاحات اجتماعی، آقای گیت‌گریفین یکی از اقتصاددانان آکسفورد طرح مشروحي نوشت ولی حاکم اتیوپی از انتشار آن جلوگیری به عمل آورد. □

رساله علم علوم انسانی